



درس پنجم

سوره مائده: آیات (۱۰۵ – ۱۰۹)



درس پنجم

سوره مائده: آیات (۱۰۵ - ۱۰۹)

نکات مهم آیات:

۱. هدایت یافتگان واقعی از شرّ گمراهان در امان

الهی خواهند بود؛

۲. مؤمنان هم باید مواظب ایمان خود باشند و هم

باید امر به معروف و نهی از منکر کنند؛

۳. هنگام وصیت، دوفتر عادل را به عنوان شاهد

برگزینید تا منازعه‌ای روی ندهد؛



۴. اگر به شاهدان وصیت، گمان بد بردید، آن‌ها را
به سوگند پس از نماز وادارید؛
۵. در شرایطی لازم است ورثه میت در برابر
شاهدان وصیت، سوگند یاد کنند؛
۶. «خیانت در شهادت» و «دروغ در سوگند» فسق
و باعث دوری از هدایت الهی است؛
۷. اعتقاد به «معاد» ضامن اجرایی همه دستورهای
الهی در دنیا است؛
۸. پیامبران با اینکه از علوم الهی برخوردارند ولی
در برابر خدا که عالم بالذات است، از خود نفی
علم می‌کنند.

لغات درس پنجم

لَا يَضُرُّكُمْ: زیانی به شما نمی - يُقْسِمَانِ: آن دو سوگند یاد می کنند
رساند

ضَلَّ: گمراه شد ارْتَبْتُمْ: شک دارید

اهْتَدَيْتُمْ: هدایت یافته شما ذَا: دارنده، صاحب

مَرَجِعُكُمْ: بازگشت شما لَا نَكْتُمُ: کتمان نمی کنیم

اسْتَحَقَّ: مستحق شد ضَرَبْتُمْ: سیر نمودید شما، مسافرت

کردید

أَدْنَى: نزدیکتر حَضَرَ: فرا رسد

يَأْتُوا: بیاورند الْأَوَّلِيَّانِ: دونفر سزاوارتر

تُرَدَّ: رد کرده شود عُثِرَ: معلوم شد



❖ آیه ۱۰۵: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! به خودتان پردازید. هر گاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست، پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد.

تفسیر:

پس از آنکه در آیات قبل از "بدعت گذاران" و "مقلدان نیاکان" سخن رفت که همگی از "گمراهان" محسوب می شوند، اینک مؤمنان را



خطاب ساخته و از آنها می‌خواهد پیرو دستورهای الهی باشند و بدین وسیله از هدایت خود مواظبت کنند و آنگاه به آنها اطمینان می‌دهد که افراد گمراه نمی‌توانند به مؤمنان هدایت یافته ضرری وارد کنند.^۱ اما علت اینکه خداوند انسان را به نفس خودش حواله داده بدین جهت است که نفس مؤمن خط سیری است که منتهی به پروردگار می‌شود و راه هدایت اوست.^۲

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ: در پایان آیه اشاره‌ای هم به «مبدأ» و «معاد» شده که مومنان هدایت یافته استمرار هدایت‌شان در پرتو توجه به آن دو می‌باشد.^۳

۱. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۶.

۲. المیزان، ج ۶، ص ۲۴۳.

۳. تسنیم، ج ۲۴، ص ۶۶.



سؤال: این آیه با مسئله «امر به معروف و نهی از منکر» در تضاد است؛ زیرا آیه حاضر می‌فرماید: شما در پی کار خود باشید. این تضاد چگونه قابل حل است؟

جواب:

الف: آیه فعلی می‌گوید: حساب هر کس جداست و گمراهی دیگران به هدایت مؤمنان لطمه‌ای نمی‌زند، پس از آن‌ها پیروی نکنید و خود را نجات دهید؛ چه آنکه نجات خود با نجات دادن دیگران منافاتی با هم ندارند.

ب: آیه فعلی اشاره به موقعیتی می‌کند که دیگر امر به معروف و نهی از منکر اثری ندارد؛ پس اگر



نوانستید یا امکان نداشت دیگران را نجات دهید،
لااقل هدایت خود را از دست ندهید.^۴

ج: چه بسا آیه بر امر و نهی تأکید می‌کند؛ زیرا
جمله «علیکم انفسکم» یعنی مواظب هم دینان خود
باشید، مانند اینکه فرمود: «و لا تقتلوا انفسکم»^۵
این آیه دلالت دارد بر باطل بودن قول کسی که می-
گوید: خدا طفل را به گناه پدر و میت را به سبب
گریه زنده، عذاب می‌کند.^۶

۴ . تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۰۹، ۱۱۰.

۵ . مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۹.

۶ . مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۰۹.



❖ آیه ۱۰۶: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا
 حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ
 مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي
 الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسُبُونَهُمَا مِنْ
 بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا
 وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ
 الْآثِمِينَ

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که
 یکی از شما را [نشانه‌های] مرگ در رسید باید از
 میان خود دو عادل را در موقع وصیت به شهادت
 میان خود فرا خوانید یا اگر در سفر بودید و مصیبت
 مرگ شما را فرا رسید [و شاهد مسلمان نبود] دو تن

از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید] و اگر [در صداقت آنان] شک کردید پس از نماز آن دو را نگاه می دارید پس به خدا سوگند یاد می کنند که ما این [حق] را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم که [اگر کتمان حق کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود.

تفسیر:

شان نزول: مقصود از شهادت در این آیه، شهادت‌های حقوقی است که در محاکم [نزد قاضی] داده می‌شود.^۷ یکی از مسلمانان به اتفاق دو

^۷ . مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۱۲.

نفر از مسیحیان عرب که برادر بودند به قصد تجارت از مدینه خارج شدند. در میانه راه، شخص مسلمان بیمار شد و وصیت‌نامه‌ای نوشت و آن را در میان اثاث خود مخفی کرد و اموال خویش را به دست دو همسفرش سپرد و به آن‌ها توصیه کرد که اثاث را به خانواده‌اش برسانند و آنگاه از دنیا رفت.

همسفران اثاث او را گشودند و لوازم قیمتی او را برداشتند و بقیه را به خانواده‌اش سپردند. خانواده‌اش وقتی اثاث را گشودند متوجه شدند که قسمتی از اموال صاحب‌شان مفقود است. در این هنگام چشمشان به وصیت‌نامه افتاد و وقتی آن را خواندند متوجه شدند صورت تمام اموال مسروقه در آن ثبت

شده است. مطلب را با دو همسفرش در میان گذاشتند، ولی آنها انکار کرده و گفتند: هرچه بود، همین بود.

آنها شکایت نزد پیامبر ص بردند. از آنجا که دلیلی برضد آن دو نفر نبود، پیامبر ص آنها را وادار به سوگند کرد و سپس تبرئه نمود. اما چیزی نگذشت که بعضی از اموال نزد آن دو پیدا شد و دروغشان آشکار گردید. جریان را به عرض پیامبر ص رساندند و حضرت در انتظار ماند تا آیات فوق نازل شد و سپس دستور داد خانواده میت مسلمان سوگند یاد کنند و اموال را به آنها برگردانند.^۸

^۸ . تفسیرنمونه، ج ۵، ص ۱۱۳ و ۱۱۴ (از آنجا که سوره انفال به صورت دفعی نازل شده است بیان اینگونه شأن نزولها برای برخی از آیات این سوره، مشکل است، ولی به این معنی نیست که چنین حوادثی در کار نبوده است بلکه این حوادث را میتوان بر آیاتی از سوره انفال منطبق کرد.)

خدای سبحان پس از یاد آوری بازگشت همگان به سوی خدا و رسیدگی به اعمال آنها، در این آیه مؤمنان را به وصیت پیش از مرگ و احکام آن سفارش می‌کند. دستور خداوند درباره وصیت که بیشتر هنگام ظهور نشانه‌های مرگ صورت می‌گیرد، آن است که وصیت‌کننده در زمان وصیت دو نفر عادل را بر وصیت خود شاهد بگیرد، تا پس از او "منازعه و خصومتی" ایجاد نشود.

بعد از وفات وصیت‌کننده، اگر وارثان به گواهی شاهدان وصیت اطمینان یافتند، طبق آن عمل می‌کنند؛ چنانکه به خلاف بودن قول و فعل شاهدان گمان داشتند، این دو شاهد باید پس از نماز سوگند

یاد کنند که در مورد شهادت صادق هستند و شهادت خود را راه دستیابی به منافع مادی خود یا خویشاوندان خویش قرار نداده‌اند به گونه‌ای که اگر در ادای شهادت خیانت کرده باشند، از گنهکاران به شما روند.^۹

در این آیه و آیه بعد بین دو شاهد مسلمان و دو شاهد غیر مسلمان تخییر بیان نشده بلکه می‌فرماید: حق تقدم با شاهدان مسلمان است، اما اگر پیدا نشد، می‌توانید از شاهد غیر مسلمان استفاده کنید.^{۱۰}

^۹ .تسنیم، ج ۲۴، ص ۱۴۴.
^{۱۰} .مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۱۳.

❖ آیه ۱۰۷: فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَأَنِ
 يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولَيَانِ
 فَيَقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهِادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا
 اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

ترجمه: و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه
 شده‌اند دو تن دیگر از کسانی که بر آنان ستم رفته
 است و هر دو [به میت] نزدیکترند به جای آن دو
 [شاهد قبلی] قیام کنند، و به خدا سوگند یاد کنند که
 گواهی ما قطعاً از گواهی آن دو درست تر است و
 [از حق] تجاوز نمی‌کنیم، چرا که [اگر چنین کنیم]
 از ستمکاران خواهیم بود.

تفسیر:

در ادامه آیه پیشین می‌فرماید: اگر خلاف گفته دو شاهد وصیت آشکار گردد، به گونه‌ای که آن‌ها نسبت به بازماندگان میت مسلمان گناهی را مرتکب شده و حقی از آنان پای مال کرده باشند، باید دونفر از میان بازماندگان به جای آن دو شاهد قرار بگیرند و سوگند یادکنند که شهادت‌شان درست‌تر از شهادت آن دو شاهد است و بگویند که اگر ما در این عمل و گفته تجاوز کرده باشیم جزو ظالمان به شمار آییم.^{۱۱}

مقصود از استحقاق گناه، استحقاق عقوبت است.^{۱۲}

۱۱. تسنیم، ج ۲۴، ص ۱۶۳.

۱۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۱۹.

صاحب مجمع البیان عقیده دارد که این دو آیه از لحاظ اعراب و معنی و حکم از مشکل‌ترین آیات قرآن است.^{۱۳}

❖ آیه ۱۰۸: ذَلِكْ أَذْنٰى اَنْ يَّاتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجْهِيْهَا
اَوْ يَخَافُوْا اَنْ تُرَدَّ اٰيْمَانُۢ بَعْدَ اٰيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوْا اللّٰهَ
وَاسْمَعُوْا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ

ترجمه: این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند یا بترسند که بعد از سوگند خوردن شان سوگندهایی [به وارثان میت] برگردانده شود [به صواب] نزدیک‌تر است، و از خدا پروا

دارید و [این پندها را] بشنوید، که خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند.

تفسیر:

این آیه نیز در ادامه آیات پیشین درباره حکمت تشریع احکام "شهادت بر وصیت" چنین می فرماید که "سوگند و شاهد" بر وصیت و سپس رد قسم به ورثه در صورت کشف خلاف و ظهور دروغ و خیانت در شهادت، نزدیک ترین راه رسیدن به صداقت شاهدان و مایه ترس آنها از رسوا شدن در وقت کشف خلاف است.^{۱۴}

آری انسان دارای هوای نفسی است که دائماً او را دعوت می کند به اینکه از هر چیزی که برایش

میسور است کام دل بگیرد و آنچه را که هوس می-
 کند مرتکب شود؛ مشروع باشد و یا غیر مشروع،
 مگر اینکه مانعی در کار خود ببیند و قوی‌ترین موانع
 نفسانی ایمان به خدایی است که برگشت همه
 بندگان و حساب اعمال‌شان به دست اوست.^{۱۵} قوی-
 ترین چیزی که انسان را به راستگویی گواهان
 مطمئن می‌سازد این است که از «ایمان درونی» آن‌ها
 استفاده کرده و از آنان «سوگند به خدا» گرفته
 شود.^{۱۶}

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا : در این فراز از آیه همگان را به
 پرهیزکاری در ادای شهادت سفارش می‌کند، می-

۱۵. المیزان، ج ۶، ص ۲۸۹.

۱۶. المیزان، ج ۶، ص ۲۹۰.

فرماید: خیانت در شهادت و دروغ در سوگند، فسق است و باعث دوری از هدایت الهی است.^{۱۷}

❖ آیه ۱۰۹: یَوْمَ یَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ
قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ

ترجمه: [یاد کن] روزی را که خدا پیامبران را گرد
می آورد، پس می فرماید: چه پاسخی به شما داده
شد؟ می گویند: ما را هیچ دانشی نیست؛ تویی که
دانای رازهای نهانی.

تفسیر:

پس از بیان احکام فقهی و حقوقی و دستور به تقوای الهی در آیات پیشین اکنون مسئله معاد ذکر می‌شود تا ضمانت اجرای همه آنها باشد. در آنروز خداوند همه پیامبران را گرد می‌آورد و از آنها درباره امت-هایشان می‌پرسد که آنان در برابر دعوت رهبران الهی چگونه پاسخ داده و اجابت کردند. انبیاء جواب می‌دهند که ما به آن علمی نداریم و تو همه چیز را می‌دانی.^{۱۸}

این آیه هشدار است به همگان که بدانند سروکارشان با خدایی است که «علام الغیوب» است،

بنابراین در رفتار و گفتار و گواهی‌های خود مراقب حق و عدالت باشید.

سؤال و جواب

سؤال اول: از آیات قرآن استفاده می‌شود که پیامبران، "شاهدان بر امت خویشند"، درحالی که از آیه فوق برمی‌آید که آن‌ها از خود "نفی علم" می‌کنند؛ این تضاد چگونه قابل پاسخگویی است؟

جواب: آیه فعلی مربوط به مرحله اول است که انبیا در برابر خداوند اظهار ادب کرده و همه چیز را موکول به علم الهی می‌دانند؛ اما آیه مربوط به شهادت انبیاء، مرحله دوم را بیان می‌کند که پیامبران به اظهار مشاهدات خود می‌پردازند.

سؤال دوم: چگونه انبیا از خود نفی علم می کنند
در حالی که آن ها علاوه بر علم عادی به ظاهر
حقایق، به حقایق پنهان هم آگاه هستند؟

جواب: پیامبران علم خود را در برابر علم خدا هیچ
می دانند، علاوه بر اینکه پیامبران "علم ذاتی" را از
خود نفی نمی کنند؛ زیرا تمام علوم، ذاتاً و اصالتاً نزد
خداوند است.^{۱۹} ضمن اینکه مراد پیامبران، «نفی
مطلق علم» نیست، بلکه مرادشان، «جميع علوم غیبی
است»^{۲۰}.

۱۹. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۲۰.

۲۰. المیزان، ج ۶، ص ۲۹۱.